پیدا و پنهان عملیات تروریستی زاهدان و روابط اسلام‌آباد- تهران
در گفت‌وگوی اختصاصی «وطن‌امروز» با سفیر پاکستان در ایران

کد سفیر درباره سعودی

پویان شریعت: غروب روز چهارشنبه ۲۴ بهمن‌ماه اتوبوس حامل ۴۰ پاسدار مدافع وطن در محدوده چتعلی در جاده خاش- زاهدان هدف یک عملیات انتحاری از سوی عناصر تکفیری گروهک «جیش‌العدل» قرار گرفت. این اقدام تروریستی در شرایطی توجه رسانه‌های داخلی و خارجی را به خود جلب کرد که تنها یک روز پس از آن، یک عملیات تروریستی مشابه در آن سوی مرزهای پاکستان در منطقه هندی کشمیر رخ داد؛ عملیاتی که باعث افزایش تنش‌های موجود میان دهلی‌نو و اسلام‌آباد شد و شرایط حاکم بر ۲ کشور را در وضعیت فوق‌العاده قرار داد. در همین راستا «وطن‌امروز» بر آن شد تا در گفت‌وشنود اختصاصی با «رفعت مسعود» نخستین سفیر زن پاکستان در ایران به بررسی ابعاد گوناگون حوادث تروریستی مذکور بپردازد. سفیر جدید پاکستان در تهران به زبان فارسی مسلط است و مدرک دانشگاهی خود را از دانشگاه شفیلد انگلیس دریافت کرده است. وی که سال ۱۹۸۷ میلادی به وزارت خارجه پاکستان پیوست، توانست به مرور زمان پله‌های ترقی را در این وزارتخانه بپیماید. خانم رفعت مسعود پیش از تهران، سفیر پاکستان در نروژ بود و سابقه حضور در کشورهای انگلیس، آلمان، ترکیه و فرانسه را به عنوان دیپلمات در کارنامه دیپلماتیک خود به ثبت رسانده است. وی که از کارنامه باسابقه‌ای در حوزه دیپلماتیک برخوردار است، مدیرکلی طرح سیاست‌گذاری وزارت خارجه پاکستان را از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ و مدیریت امور جنوب آسیا را از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ در این وزارتخانه نیز عهده‌دار بوده است.

■ **در ابتدا از سفر ولیعهد سعودی به اسلام‌آباد که حواشی زیادی را به دنبال داشت آغاز کنیم؛ با توجه به سفر اخیر ولیعهد سعودی به پاکستان آیا سیاست خارجی اسلام‌آباد در عرصه روابط دوجانبه با ریاض دستخوش تغییراتی در ساختار و اجرا شده است؟ ابعاد گرم شدن این روابط را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

روابط پاکستان و عربستان دارای قدمت زیادی است و مختص وضعیت فعلی یا دهه اخیر نیست. زمانی که پاکستان از هند استقلال پیدا نکرده بود و جزئی از خاک این کشور به حساب می‌آمد، مسلمانان هند روابط دوستانه‌ای با عربستان داشتند. پس از آنکه در سال ۱۹۴۷ استقلال پاکستان رسماً اعلام شد، مجدداً این روابط ادامه داشت و هر وقت پاکستان با مشکلات اقتصادی روبه‌رو می‌شد، ریاض به کمک آن می‌آمد، به صورتی که حدود ۲۰۰ هزار پاکستانی در خاک عربستان مشغول به کار هستند و از سوی دیگر ارتش پاکستان از دهه‌ها قبل به ارتش عربستان آموزش نظامی داده است. اما این مولفه‌ها باعث نمی‌شود که بگوییم روابط ۲ کشور طی دهه‌های اخیر در وضعیت بسیار مطلوب قرار داشته است. طبیعتاً روابط میان اسلام‌آباد و ریاض همانند بسیاری از کشورها دارای فراز و فرودهایی بوده است. به عنوان مثال پس از جنگ افغانستان ما شاهد ظهور طالبان بودیم و در آن زمان عربستان سعودی به کمک طالبان آمد و پس از اتمام جهاد علیه شوروی، طالبان همچنان مسلح بود و سایر جریان‌های تروریستی هم به حیات خود ادامه دادند. در این مسیر بسیاری از جریان‌های رادیکال وارد خاک پاکستان شدند و مدارس مذهبی عربستان را برای ادامه حیات خود برگزیدند و حتی آموزش این تروریست‌ها در این مدارس انجام می‌شد.

■ **آیا دولت وقت پاکستان نسبت به این اقدام سعودی‌ها واکنش نشان نداد؟**

دولت وقت چندین بار به صورت مستقیم نسبت به این موضوع تذکر داد و حتی اعلام کردیم این مدارس می‌تواند باعث از بین رفتن صلح پایدار در منطقه شود. این موضوع تا به امروز هم ادامه دارد اما نمی‌توان شدت و گستره فعالیت آنها را همانند گذشته دانست. اگر این موضوع را کنار بگذاریم، باید بگویم روابط پاکستان و عربستان در دوره‌های مختلف برقرار و گرم بوده است. از سوی دیگر باید توجه داشته باشید ریاض از منظر مالی کمک‌های زیادی به پاکستان کرده و این موضوع برای ما مهم است.

■ **یعنی سفر اخیر بن‌سلمان به پاکستان صرفاً جنبه اقتصادی دارد؟**

همان‌طور که پیش‌تر گفتم رابطه عربستان و پاکستان تاریخی است؛ به گونه‌ای که قبل از سفر اخیر ولیعهد عربستان به اسلام‌آباد و طی ادوار مختلف، شاهد سفر اشخاصی مانند ملک عبدالله و ملک فهد به پاکستان بوده‌ایم و در زمان فعلی هم ولیعهد عربستان به اسلام‌آباد سفر کرده است. من بخوبی درک می‌کنم که به دلیل همزمان شدن حوادث تروریستی کشمیر و زاهدان با سفر ولیعهد عربستان به پاکستان، بسیاری از مقامات، رسانه‌ها و حتی افکار عمومی احساس کردند ارتباطی میان این دو واقعه وجود دارد اما واقعیت این است که هیچ ارتباطی میان این دو موضوع وجود نداشت و تمام اظهاراتی که بیان شد در حد گمانه‌زنی بود. اگر مستندات در این‌باره وجود دارد که این دو موضوع را به یکدیگر پیوند می‌دهد، باید منتشر شود. معتقدم شاید کشوری خواهان به هم زدن روابط دولت‌های اسلامی با یکدیگر است و من فکر می‌کنم واقع‌بینانه‌تر این توطئه همین کشور است!

■ **برخی ناظران بین‌المللی معتقدند روابط اسلام‌آباد و ریاض در دوره عمران خان وارد فصل جدیدی شده است. در این راستا تحلیلگران و برخی اندیشکده‌های خارجی معتقدند در آینده‌ای نه چندان دور پاکستان به جغرافیایی برای اجرای توطئه‌های ریاض (اعم از اقتصادی، امنیتی و سیاسی) علیه دیگران تبدیل می‌شود؛ به عنوان نماینده دولت پاکستان نظرتان در این‌باره چیست؟**

من بشدت این مواضع و تحلیل‌ها را رد می‌کنم. اساساً در علم روابط بین‌الملل و همچنین در روابط دوجانبه، ممکن است اختلاف‌هایی میان کشورها به وجود بیاید و زمانی دیگر امکان دارد این روابط بسیار گرم و نزدیک شود. من تمام این تحلیل‌ها و اظهاراتی را که می‌گویند در آینده نزدیک عربستان از ناحیه پاکستان علیه ایران اقدام خواهد کرد رد می‌کنم. این نه‌تنها مواضع رسمی پاکستان است، بلکه از منظر سیاسی و ژئوپلیتیکی هم غیر قابل اجراست. عربستان بخوبی می‌داند ایران همانند ریاض رابطه تاریخی با پاکستان دارد و هر دو به نه‌تنها مسلمان هستند، بلکه مرزهای مشترک با یکدیگر دارند. هر وقت عربستان درباره ایران با ما صحبت کرده ما به آنها اعلام کرده‌ایم روابط ما با ایران برای اسلام‌آباد بسیار مهم است. در مقابل روابط ایران با هند هم اینگونه است. ما هیچ‌وقت به ایران اعتراض نکردیم که چرا روابطش با هند را ادامه می‌دهد، در صورتی که دهلی‌نو دشمن اصلی ما به حساب می‌آید. باید به این موضوع توجه داشته باشیم که اصل دیپلماسی واصول روابط بین‌الملل به ما می‌آموزد که نمی‌توانیم در انتخاب شرکای کشورهای دیگر دخالت جدی کنیم. درست است که کشورها برای حل‌وفصل بسیاری از ابهام‌ها و مشکل‌ها با یکدیگر به تبادل نظر و رایزنی می‌پردازند اما باید توجه داشت نمی‌توانیم برای یکدیگر خط‌مشی تعیین کنیم. پاکستان بارها گفته است با عربستان رابطه خواهد داشت و با ایران هم به همان میزان رابطه دوستانه دارد. مردم پاکستان به عربستان علاقه‌مندند و در عین حال ایران را دوست دارند که دلیل آن پیشینه مشترک زبانی و فرهنگی ما است. اینکه بسیاری در ایران اظهار می‌کنند پاکستان به سکوی اقدام عربستان علیه ایران تبدیل شده، واقعاً درست نیست و اگر مستندأتی در این‌باره وجود دارد رسماً ارائه کنند. اگر قرار بر همکاری پاکستان و عربستان بود، سربازان ما هم‌اکنون باید در یمن حضور داشته باشند نه در خاک پاکستان! زمانی که جنگ یمن به راه افتاد، مقامات عربستان بارها از پاکستان درخواست کردند سربازان خود را به یمن اعزام کند اما دولت ما با این موضوع کاملاً مخالفت کرد.

■ **دلیل این مخالفت چه بود؟**

دلیل مخالفت کاملاً روشن است؛ یمن یک کشور مسلمان به حساب می‌آید و پاکستان (فارغ از اینکه کدام دولت بر سر کار است) از دیرباز تاکنون معتقد بوده ارتش نباید علیه یک کشور مسلمان دست به سلاح شود. دشمن ما بر اساس سوابق و به دلیل وجود اختلاف‌های تاریخی، هند و تروریست‌هایی هستند که بخواهند کشور ما را ناامن کنند. در این میان پارلمان پاکستان هم بحث همراهی اسلام‌آباد با عربستان در یمن را منتفی اعلام کرد. دومین دلیل این بود که پاکستان نمی‌خواست با ورود به یمن باعث ناراحت شدن ایران شود.

■ **واکنش عربستان در آن زمان چه بود؟**

طبیعی بود که عربستان از پاکستان ناراحت شود و حتی آنها به ما گوشزد کردند که ریاض و اسلام‌آباد دارای روابط تاریخی با یکدیگر هستند! ما همان موقع به ریاض گفتیم رابطه اسلام‌آباد با شما تاریخی و دوستانه است و هر دو کشور (پاکستان و عربستان) یک کشور اسلامی هستند اما این دلیل نمی‌شود که در یمن همراه شما باشیم، چرا که علاوه بر مواردی که به آنها اشاره کردم، پاکستان نمی‌خواست باعث به‌هم‌ریختگی در یمن و منطقه شود. درباره روابط با آمریکا هم همین منطق استوار است. روابط پاکستان و ایالات متحده در طول تاریخ فراز و فرودهایی داشته و هم‌اکنون هم این وضعیت استوار است اما ما هیچ‌وقت از تحریم‌های آمریکا علیه ایران استقبال نکردیم. لذا پیچیدگی‌های دیپلماسی و ظرافت‌های موجود در آن اجازه نمی‌دهد هیچ کشوری انگونه که می‌خواهد رفتار کند.

■ **با توجه به اینکه دولت سعودی رقمی حدود ۱۰ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری در بندر گوادر اختصاص داده است، داده‌ها حکایت از آن دارد که ریاض برای مقابله با تهران به دنبال هدف قرار دادن نظام اقتصادی و ساختار امنیتی در چابهار است. این در حالی است که برخی معتقدند سرویس اطلاعاتی پاکستان (ISI) به دلیل وجود ریشه‌های ایدئولوژیک همسو با ریاض و برای هدف قرار دادن هند در چابهار اقدام به همپوشانی با سعودی‌ها می‌کند. از نظر شما این مسأله تا چه حد درست است و اگر نظر مخالفی دارید آن را تشریح کنید.**

به هیچ‌وجه اینگونه نیست؛ در برخی تحلیل‌ها مرتباً صحبت از ISI به میان می‌آید اما باید توجه داشت که ISI بخشی از ارتش پاکستان را تشکیل می‌دهد، نه تمام آن را. ما نباید ISI را جدا از ارتش یا کشور پاکستان بدانیم و بدون تردید این بخش به ضرر منافع اسلام‌آباد فعالیت نخواهد کرد. من تعجب می‌کنم چرا ایران همانند آمریکا و هند ISI را مقصر همه‌چیز می‌دانند! واقعیت این است که بنادر گوادر و چابهار که به عنوان خواهرخوانده‌های یکدیگر به حساب می‌آیند، ۲ پروژه مهم اما جدا از یکدیگر هستند. طبیعی است که اگر در مرزهای پاکستان و ایران ناامنی به‌وجود بیاید، ضررش برای هر دو طرف غیر قابل جبران خواهد بود. اگر شما نگاهی به مرزهای مشترک پاکستان با هند، افغانستان و ایران بیندازید بخوبی به این مفهوم می‌رسید که تنها امید اسلام‌آباد، مرزهای مشترک با ایران است، چرا که مرز مشترک هند و پاکستان با گذشت ۷۲ سال از استقلال پاکستان همچنان متشنج و ناامن است و نمی‌توانیم بگوییم در سال‌های آینده چه اتفاق‌هایی در مرزهای مشترک ما و هند رخ خواهد داد. مرزهای مشترک پاکستان و افغانستان هم درگیر و ناامن است و تنها مرزهایی که می‌توان به ثبات آنها امیدوار بود مرز مشترک ما با چین و ایران است که از این دو معبر مناسبات اقتصادی ما تامین می‌شود. پاکستان در وضعیت فعلی در شرق (با هند) و شمال (با افغانستان) دارای مشکلات جدی است و به هیچ‌وجه خواهان آن نیست مرزهایش با چین و ایران با مشکل روبه‌رو شود. درباره بند گوادر باید متوجه بود که چین سرمایه‌گذاری‌های زیادی در آنجا انجام داده و ما بر آن باوریم که با رونق گرفتن بندر گوادر نه‌تنها پاکستان، بلکه روسیه، ایران و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس می‌توانند از آن بهره ببرند. من معتقدم چابهار و گوادر باید روابط خوبی با یکدیگر داشته باشند نه اینکه به دشمن هم تبدیل شوند. باید متوجه بود که سرمایه‌گذاری در چابهار توسط هند و همچنین سرمایه‌گذاری در گوادر توسط چین انجام شده و این دو کشور با یکدیگر اختلاف‌هایی دارند! در این میان هند و پاکستان با یکدیگر مشکل دارند و از سوی دیگر آمریکا از سرمایه‌گذاری چین در گوادر ناراضی است. اگر به این مجموعه از اختلاف‌ها نگاه کنیم بخوبی می‌فهمیم ژئوپلیتیک و سیاست هر کشور به صورت مجزا باعث می‌شود نوع و سطح شراکت با کشورها به یک اندازه تعریف نشود. سرمایه‌گذاری در گوادر تنها مختص عربستان نیست، بلکه ما از همه کشورها حتی دولت‌های اروپایی دعوت کردیم برای سرمایه‌گذاری در گوادر وارد میدان شوند. به عنوان مثال چین در قالب پروژه «سی‌پک» China-Pakistan Economic Corridor- CPEC اقدام به سرمایه‌گذاری در گوادر کرده است اما هند به دلیل اختلاف با این کشور چابهار را برای سرمایه‌گذاری برگزید. لذا بحث تهدید اقتصادی و امنیتی چابهار از ناحیه گوادر را درست نمی‌دانم و گرنه پاکستان هم باید بگوید هند به دنبال تهدید پاکستان از ناحیه چابهار است!

■ **از ۳ سال گذشته تاکنون شاهد سفرهای متعددی از سوی هیات‌های دیپلماتیک، امنیتی و نظامی ایران در عالی‌ترین سطوح به اسلام‌آباد هستیم و توافق‌های زیادی در این مسیر منعقد شده؛ چرا با وجود هماهنگی‌های صورت گرفته و هشدارهای مختلف در سطوح سیاسی، امنیتی و نظامی به اسلام‌آباد این اقدام‌ها علیه امنیت ایران اتفاق می‌افتد؟**

متاسفانه همان‌گونه که اشاره کردید وجود گروه‌های تروریستی نه‌تنها باعث وقوع عملیات‌های تروریستی در ایران شده، بلکه ما هم از این ناحیه دچار ضررهای جدی شده‌ایم. در سال ۲۰۱۴ سلسله عملیات‌هایی در مرز مشترک ما و افغانستان با عنوان «ضرب عضب» انجام شد و ارتش پاکستان تعداد زیادی از تروریست‌هایی را که متعلق به گروه‌های متعدد تروریستی بودند از بین برد اما باز هم شاهد فعالیت آنها هستیم. بر اساس داده‌های موجود بیشترین معبری که گروه‌های تروریستی از آن ناحیه علیه ایران و پاکستان اقدام می‌کنند مرز مشترک ۲ کشور نیست، بلکه تلاقی مرز افغانستان، پاکستان و ایران نقطه‌ای است که تروریست‌ها از آن ناحیه به هر سه کشور رفت و آمد می‌کنند و حتی گروهک تروریستی «جیش‌العدل» هم از این سه‌راهی وارد خاک جمهوری اسلامی می‌شود. یعنی معابری که گروه‌های‌که تروریستی از آنجا وارد ایران یا پاکستان می‌شوند تنها به مرز این دو کشور مربوط نیست، بلکه یک طرف این قضیه به افغانستان مربوط می‌شود. حکومت و ارتش پاکستان طی سال‌یان اخیر طرح‌های زیادی برای مقابله با این گروهک‌ها اجرا کرده و در نهایت به دنبال حمارکشی و بالا بردن میزان امنیت در مرز مشترک خود با افغانستان است.

> **پاکستان نمی‌خواست با ورود به یمن باعث ناراحت شدن ایران شود. طبیعی بود که عربستان از پاکستان ناراحت شود و حتی آنها به ما گوشزد کردند که ریاض و اسلام‌آباد دارای روابط تاریخی با یکدیگر هستند! ما همان موقع به ریاض گفتیم رابطه اسلام‌آباد با شما تاریخی و دوستانه است و هر دو کشور (پاکستان و عربستان) یک کشور اسلامی هستند اما این دلیل نمی‌شود که در یمن همراه شماباشیم**

■ **این طرح‌ها چه زمانی اجرا خواهد شد؟**

تا آنجا که من خبر دارم بخش اعظم آن انجام شده اما از سوی دیگر باید مرز میان ایران و پاکستان هم تقویت شود. ما خواهان این نیستیم که تمام مرز مشترک خود با ایران را حصار بکشیم، چرا که تجارت و مناسبات اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران برای پاکستان از ارزش زیادی برخوردار است اما نقاطی که تجمیع تروریست‌ها در نزدیکی آن وجود دارد و تردد‌های زیادی از آنجا طی سال‌های اخیر شده، بخوبی شناسایی شده و در آنجا حمارکشی خواهیم کرد. این روند طی هفته‌ها و ماه‌های آینده شروع خواهد شد.

■ **صرف‌نظر از مسائل مربوط به امنیت مرزها و مباحث نظامی، دولت پاکستان چه برنامه‌ای برای ریشه‌کن کردن تروریسم در این کشور و مرزهای مشترک با ایران دارد؟**

نه‌تنها بنده، بلکه بسیاری از دولتمردان پاکستان معتقدند تروریسم را نتنها نمی‌توان با اهرم و ابزار نظامی و امنیتی از بین برد؛ یکی از جنبه‌هایی که از رونق تولد تروریسم در جهان تا به امروز کمتر از سایر مولفه‌ها مورد نظر قرار گرفته، مسائل اقتصادی است. مساله تروریسم اساساً یک موضوع چندوجهی به حساب می‌آید. بخشی از این پدیده شوم ایدئولوژیک و قسمتی دیگر سیاسی است اما باید توجه داشته باشیم که نه‌تنها در پاکستان و افغانستان، بلکه در عمق آفریقا و مناطقی که عدم توسعه در آن وجود دارد، تروریسم یکی از راه‌های امرار معاش به حساب می‌آید. این عدم توسعه می‌تواند در شرق و جنوب شرق ایران یا غرب و جنوب غرب پاکستان و حتی در سراسر افغانستان باشد اما مهم این است که فقر، بیکاری و مشکلات موجود در تامین معیشت باعث می‌شود افراد برای دریافت ماهانه ۵۰ دلار دست به هر کاری بزنند. از این منظر من معتقدم حمارکشی، افزایش ضریب امنیت مرزها، انجام عملیات‌های مداوم ضد تروریسم و... تنها بخشی از حیات و فعالیت جاری گروه‌های تروریستی را زیر ضربه قرار می‌دهد. در کنار کلکسیونی از اقدام‌های اینجنینی، باید مسائل مربوط به توسعه اقتصادی هم در نظر گرفته شود.

■ **منظور از توسعه اقتصادی چیست؟ به نظرتان گسترش روابط تجاری ایران و پاکستان می‌تواند به یدافنه مؤثر برای جلوگیری از رشد تروریسم و افراط‌گرایی تبدیل‌شود؟**

بله! دقیقاً همین‌طور است. منظور من از توسعه اقتصادی قیض و بسط این موضوع در هر دو کشور (پاکستان و جمهوری اسلامی ایران) است. اگر نگاهی به منطقه بلوچستان در پاکستان و همچنین سیستان و بلوچستان در ایران بیندازیم بخوبی می‌بینیم متاسفانه هر دو منطقه در فقر به سر می‌برند. بیکاری و افزایش آن باعث گرایش ساکنان هر دو منطقه به سمت گروهک‌های تروریستی می‌شود. از این منظر توسعه اقتصادی یکجانبه در پاکستان و بویژه در ایالت بلوچستان کافی نیست، بلکه روابط تجاری و گسترش آن باید در پاکستان و ایران به صورت مشترک انجام شود. یکی از راه‌های گسترش این روابط تعریف پروژه‌های مشترک برای تقویت وضعیت اقتصادی و معیشتی در این مناطق است که به نظرم حداقل می‌تواند مانع رشد و تکثیر تروریسم شود. ما نمی‌توانیم وجود قاچاق موادمخدر و کالا در مرز دو کشور را انکار کنیم؛ طبیعی است که پدیده قاچاق به عنوان یک ضد امنیت در دنیای امروز شناخته می‌شود که این موضوع تسهیل‌کننده نقل‌وانتقال تروریسم و زیستن افراط‌گرایی در هر دو کشور خواهد بود. اگر ۲ کشور بتوانند تجارت خود با یکدیگر را قانونی کنند، بدون تردید از حجم قاچاق هم کاسته خواهد شد. باید متوجه بود که وجود مرزنشین‌ها در ۲ کشور می‌تواند به پتانسیلی برای تقویت امنیت و تجارت تبدیل شود.

■ **خانم سفیر! انفجارهای اخیر که در چابهار و جاده خاش- زاهدان اتفاق افتاد و منجر به شهادت و زخمی شدن ۴۰ تن از نیروهای سپاه پاسداران شد، تمام گمانه‌زنی‌ها را بر پاکستان متمرکز می‌کند. بسیار واضح است که اگر روزی از ناحیه سیستان و بلوچستان علیه خاک پاکستان اقدام تروریستی شود، تهران در وهله اول آنها را هدف قرار می‌دهد و سپس درباره گسترش مناسبات اقتصادی سخن می‌گوید! ابهام ما این است که اولاً چرا اسلام‌آباد اقدام متقنی برای نابودی تروریست‌ها نمی‌کند و ثانیاً اینکه چرا ایالت بلوچستان به جغرافیای زیستن تروریسم و افراط‌گرایی تبدیل شده است؟**

واقعیت این است که وضعیت امروز ایالت بلوچستان میراث دوران جهاد در افغانستان است. باید توجه داشته باشید که این گروهک‌های تروریستی تنها از اتباع هند، پاکستان یا افغانستان تشکیل نشده‌اند، بلکه از اتباع عربستان، مصر، الجزایر و حتی چچن هم در میان آنها به وفور دیده می‌شود. آنها در قالب مجاهدین و برای مقابله با شوروی وارد منطقه جنوب آسیا و بویژه افغانستان شدند که تاریخچه آن موجود است. در زمان «پرویز مشرف» عملیات ضدتروریسم در منطقه «سوات» توسط ارتش انجام شد اما به دلیل پراکندگی آرایش این گروهک‌ها نمی‌توان به صورت قطعی گفت تروریسم ریشه‌کن شد و از این منظر همچنان در حال مقابله با آنها هستیم. نظام حاکم بر بلوچستان یک سیستم پیچیده است که نمی‌توان تنها با سیاست یا مقابله‌ای امنیتی آن را بهبود داد و ترمیم کرد. به این جهت است که ما معتقدیم علاوه بر راهبردهای امنیتی و سیاسی باید مسائل توسعه‌ای و تجاری در دستور کار قرار بگیرد. دولت عمران خان به دنبال آن است تا این بستر را بیش از گذشته توسعه دهد.

■ **آیا این راهبرد اقتصادی و توسعه‌ای در نقاط دیگر پاکستان اجرا شده است؟**

بله! این پروژه در «وزیرستان» و «باجور» انجام شده و ما خواهان آن هستیم تا این مدل در بلوچستان هم پیاده شود اما باید توجه داشته باشید که وسعت بلوچستان نسبت به سایر ایالت‌های پاکستان بسیار گسترده است. من قبول دارم که در طول ۷۲ سال اخیر تاکنون کاستی‌های زیادی درباره بلوچستان بوده اما باید توجه داشت طی این سال‌ها جمهوریت در پاکستان وجود نداشت و حتی در مقطعی شاهد دیکتاتوری بودیم اما در وضعیت کنونی به نظرم گشایش‌های خوبی انجام خواهد شد. معتقدم اگر مشکلات سیاسی و اقتصادی در بلوچستان حل‌وفصل شود و توسعه در دستور کار قرار بگیرد، نه‌تنها در مسائل اقتصادی و امنیتی گشایش اتفاق می‌افتد، بلکه هیچ کشوری نمی‌تواند با صرف هزینه‌های گزاف محیط پیرامونی ایران و خاک پاکستان را به نفع خود ناامن کند.

■ **در روزهای اخیر شاهد درگیری نظامی میان هند و پاکستان بودیم که نه‌تنها رودی زمین، بلکه در آسمان هر دو کشور شاهد برخوردهای کم‌نظیر بودیم؛ آیا منازعه فعلی میان اسلام‌آباد و دهلی‌نو تنها به انفجار تروریستی کشمیر مربوط است؟**

بزرگ‌ترین مشکل میان پاکستان و هند، کشمیر است اما مشکلات دیگر هم در این بین وجود دارد. در شرایط کنونی که ۷۲ سال از استقلال پاکستان می‌گذرد، هند همچنان موجودیت ما را انکار می‌کند و به عقیده این یک مشکل بزرگ است. حتی اگر مساله کشمیر میان ۲ کشور حل‌وفصل شود باز هم مشکلات میان دهلی‌نو و اسلام‌آباد به قوت خود باقی خواهد ماند، چرا که آنها موجودیت ما را به صورت کلی قبول ندارند! اگر به متون به جا مانده از گاندی رجوع کنیم، می‌بینیم او هندوستان را به «زمین مادر» تشبیه کرده اما در وضعیت فعلی بنگلادش و پاکستان از هندوستان قدیم جدا شدانه و هر کدام یک کشور مستقل در منطقه کنونی نظام بین‌الملل به حساب می‌آیند ولی هندی‌ها این را قبول ندارند. آنها معتقد بودند پاکستان پس از استقلال با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد شد و خیلی زود به دامان هند باز خواهد گشت اما اینچنین نشد. بحث مربوط به زمین یا جغرافیا نیست، بلکه مذاهب هم در این میان دخیل هستند. پاکستان یک کشور مسلمان به حساب می‌آید اما آنها بحث‌شان چیز دیگری است. بنده ۴ سال به عنوان سفیر پاکستان در هند مشغول به کار بودم و ذهنیت و افکار آنها نسبت به اسلام‌آباد را بخوبی می‌شناسم؛ از این منظر هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند ذهنیت هند نسبت به موجودیت پاکستان را تغییر دهد. این ذهنیت به هیچ‌وجه اجازه حل‌وفصل پرونده کشمیر و سایر تنش‌ها را نمی‌دهد.

■ **آیا مانع اصلی در پرونده کشمیر تنها ذهنیت هند است یا اینکه منازعه حقوقی درباره مرزهای ۲ کشور هم دلیل دیگری برای مغفول ماندن این پرونده به حساب می‌آید؟**

اصل موضوع به زمان استقلال بازمی‌گردد و یک مساله تاریخی به حساب می‌آید. پس از زمان استقلال بسیاری از مسلمانان هند به پاکستان متمایل شدند. در آن زمان اعلام شد اگر هندوها خواهان رفتن به هند هستند می‌توانند به آنجا بروند و اگر تمایل به ماندن با پاکستان دارند هم ما قبول می‌کنیم اما اکثریت مسلمانان در دو جهت بودند؛ نخست مسلمانان غرب که با پاکستان همراه بودند و دوم مسلمانانی بودند که به سمت بنگلادش متمایل شدند. در وضعیت کنونی هم عمده مردم کشمیر مسلمان هستند و در گذشته هم مسلمان بودند اما حاکم آنجا هندو بود و حتی جنگ‌هایی در این بین اتفاق افتاد. باید توجه داشته باشیم که مردم کشمیر نه‌تنها به خاطر مسلمان بودن‌شان خواهان الحاق به خاک پاکستان هستند، بلکه جیزی حدود ۷۰۰ هزار نفر از ارتش هند در این منطقه حضور دارند و فشار آنها بر مردم باعث شده تا یک فاجعه حقوق‌بشری در کشمیر اتفاق بیفتد. تا جایی که اگر روزنامه‌های هند را بخوانید، به وضوح می‌بینید مردم کشمیر هم نمی‌خواهند زیر سلطه هند باشند. بخشی از آنها خواهان الحاق به پاکستان هستند و بخش دیگر می‌گویند که ما می‌خواهیم آزاد باشیم.

■ **به نظرتان برگزاری رفراندوم می‌تواند مشکل کشمیر را حل‌وفصل کند؟**

در زمان جواهر لعل نهرو (اولین نخست‌وزیر هند) بحث برگزاری رفراندوم مطرح شده بود اما باید توجه داشت که آمایش جمعیتی کشمیر به چند دسته تقسیم شده است. به عنوان مثال در وضعیت کنونی هندوها در جنوب کشمیر قرار دارند و تعداد آنها زیاد شده است اما مسلمانان بخش اعظم آن را تشکیل می‌دهند. درباره رفراندوم ابهامات زیادی وجود دارد که نخستین مساله، مکانیزم اجرای رفراندوم است. باید توجه داشت که مردم کشمیر نمی‌خواهند زیرنظر پاکستان یا هند باشند؛ آنها می‌خواهند آزاد باشند. متاسفانه هند این موضوع را قبول آن خواهد بود اما بحث این است که مردم کشمیر نمی‌خواهند آنها مستقل باشند. موضع ما این است که چرا بعد از ۷۰ سال همچنان شاهد کشته شدن مردم کشمیر توسط ارتش هند هستیم؟ چرا هند یکبار برای همیشه از مردم کشمیر سوال نمی‌کند که چگونه می‌خواهند زندگی کنند؟ زنان، دختران، جوانان و پیرمردهای کشمیر در ظلم کامل به سر می‌برند و این زیبنده منطقه جنوب آسیا نیست. اگر قرار باشد رفراندوم برگزار شود باید سازوکار آن کاملاً شفاف و مشخص شود و باید یک هیأت سه‌جانبه متشکل از هندی‌ها، پاکستانی‌ها و نمایندگان کشمیر برای این موضوع تشکیل شود.

■ **نخست‌وزیر پاکستان پس از درگیری‌های اخیر اعلام کرده آماده مذاکره با هند است و به نشانه اعتماد خلبان هند را به کشورش تحویل داد؛ به نظرتان تنش موجود ادامه خواهد داشت؟**

بنده از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ به عنوان معاون سفیر پاکستان در دهلی‌نو مستقر بودم و با سیاست هند تا حد زیادی آشنا هستم. به نظرم باید تا انتخابات آتی هند و انتشار نتایج آن منتظر ماند. توجه داشته باشید که از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ به مدت ۴ سال روابط پاکستان و هند آرام شده بود و حتی نظرات ۲ طرف درباره کشمیر به یکدیگر نزدیک شده بود اما متاسفانه حمله تروریستی به بمبئی در سال ۲۰۰۸ باعث شد تمام این رابطه به یکباره فرو بریزد. واقعیت این است که هر وقت کشورهای منطقه جنوب آسیا مانند ایران، پاکستان، هند و حتی افغانستان به یکدیگر نزدیک می‌شوند، حادثه‌ای به‌وجود می‌آید که باعث از هم گسیختگی شدن این دوستی می‌شود. هر وقت ما به هندوستان یا ایران نزدیک می‌شویم، یک حادثه تروریستی اتفاق می‌افتد اما به هر حال ما خواهان مذاکره با هند هستیم تا بتوانیم مشکلات را حل کنیم.

■ **خانم مسعود! اخیراً مواضعی تلویحی از سوی برخی مقامات پاکستان درباره به رسمیت شناختن اسرائیل مطرح شده که می‌توان به سخنان پرویز مشرف یا مصاحبه شاه محمود قریشی یا خبرنگار صدای اسرائیل در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ اشاره کرد؛ آیا به رسمیت شناختن اسرائیل در راستای تقابل با هند مطرح شده یا این موضوع به موازات دیپلماسی پنهان عربستان سعودی در دستور کار قرار گرفته است؟**

معتقدم برقراری این رابطه بسیار مشکل است. طبیعی است که روابط هند و اسرائیل بسیار نزدیک است اما برای پاکستان این موضوع بسیار مشکل خواهد بود. درست است که اسلام‌آباد با تل‌آویو تقابل جدی و رو در رو ندارد اما از روز اول حامی فلسطین بودیم. قبل از آنکه پاکستان استقلال پیدا کند، مسلمانان هند از فلسطین دفاع می‌کردند و «محمدعلی جناح» بارها این موضوع را مورد اشاره قرار داد؛ به عبارت دیگر دفاع از مردم فلسطین و موضوعیت آن در خون مردم پاکستان است و سوال من این است که چطور می‌توان کشته شدن فلسطینی‌ها در دست اسرائیل را نادیده گرفت؟ به نظرم برای حکومت پاکستان بسیار مشکل است که اسرائیل را به رسمیت بشناسد.

■ **یعنی تحریک انصاف این ریسک را قبول می‌کند؟**

فکر نمی‌کنم چنین ریسک بزرگی را بپذیرند، چرا که مردم پاکستان نسبت به این موضوع حساس هستند و آن را قبول نمی‌کنند. ما صلح را دوست داریم اما صلحی که به نفع پاکستان باشد. تمرکز ما برای صلح، منطقه جنوب آسیا و ۲ کشور هند و افغانستان است. چرا که مشکلات زیادی وجود دارد. ما به دنبال تقویت روابط با کشورهای اطراف مانند چین، روسیه و هند هستیم. در پاسپورت کشور پاکستان همانند گذرنامه ایران سفر به سرزمین‌های اشغالی برای اتباع پاکستان ممنوع است و همچنان به رسمیت شناخته نشده است، بنابراین تصمیم برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل تنها به نظر سیاستمداران بستگی ندارد، بلکه مردم پاکستان در این‌باره بسیار حساس هستند.

> **پاکستان نمی‌خواهد این تحلیل‌ها و اظهاراتی را که می‌گویند در آینده نزدیک عربستان از ناحیه پاکستان علیه ایران اقدام خواهد کرد رد می‌کنم. این نه‌تنها مواضع رسمی پاکستان است بلکه عربستان بخوبی می‌داند ایران همانند ریاض رابطه تاریخی با پاکستان دارد و هر دو نه‌تنها مسلمان هستند، بلکه مرزهای مشترک با یکدیگر دارند. هر وقت عربستان درباره ایران با ما صحبت کرده ما به آنها اعلام کرده‌ایم روابط ما با ایران برای اسلام‌آباد بسیار مهم است**

■ **چندی پیش رئیس‌جمهوری افغانستان با انتقاد از پاکستان مدعی شد اسلام‌آباد مانع صلح با طالبان می‌شود. به موازات آن «زلمی خلیلزاد» برای گفت‌وگو با مقامات وارد پاکستان شد؛ اساساً جایگاه اسلام‌آباد در پرونده صلح افغانستان کجاست؟**

برای پاکستان مهم نیست دولت اشرف غنی در راس امور قرار دارد یا دولت حامد کرزی، بلکه برای ما این مهم است که هر دولت و هر حزبی که سکان امور را در دست دارد بتواند امنیت، صلح و ثبات را تامین کند. ما به وضوح می‌گوییم تا زمانی که حکومت وحدت ملی افغانستان با طالبان مذاکره نکند، هیچ اتفاقی رخ نخواهد داد. ما بخوبی مشکلات افغانستان را می‌دانیم اما تا زمانی که همه احزاب و حکومت افغانستان با طالبان مذاکره نکنند شرایط درست نمی‌شود. طالبان می‌گوید نیروهای آمریکا از افغانستان خارج شوند و پس از آن مذاکرات بین‌الافغان برگزار کنیم؛